

نقش سکونت‌گاه‌های شهر عبّادان (آبادان) بر دریانوردی خلیج فارس

مطالعه موردی (خانقاه، رباط، خُشبات)

چکیده:

منطقه‌ی خلیج فارس موضوعی است که تا به امروز از زوایای گوناگون و موضوعات تاریخی متنوع، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. اهمیت جغرافیایی، تاریخی، بازرگانی و دریانوردی این منطقه از کشور ایران باعث شده است که به لحاظ اقتصادی و فرهنگی مورد توجه باشد. پژوهش حاضر در راستای توجه به اهمیت دریانوردی در منطقه خلیج فارس، به موضوع سکونتگاه‌ها در شهر عبّادان (آبادان) می‌پردازد. این سکونتگاه‌ها، شامل رباط، خانقاه و خُشبات می‌باشد که هم از جنبه عقیدتی به آن توجه می‌شده است و هم برای سکونت موقت مسافران و خدمه کشتی‌ها در طول تاریخ مدنظر بوده است. این امر یک پدیده فرهنگی و تمدنی را به وجود آورده است. این مسافران از هند و از مناطق عربی در حاشیه خلیج فارس در طول تاریخ در این مکان رفت و آمد داشته‌اند. عبّادان به عنوان یکی از شهرهای کرانه خلیج فارس سهم قابل توجهی در حیطه بازرگانی و دریانوردی را از آن خود کرده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی – تحلیلی با تکیه بر منابع و پژوهش‌ها، به بررسی سهم و نقش سکونتگاه‌های این شهر می‌پردازد.

کلید واژگان: عبّادان، آبادان، دریانوردی، رباط، خانقاه، خُشبات

مقدمه:

خلیج فارس به دلیل آنکه سه قاره‌ی آسیا، آفریقا و اروپا را به هم پیوند می‌زند جایگاه ویژه‌ای در مناسبات بین‌المللی پیدا کرده است. اهمیت این دریا به گواه منابع تاریخی، همواره یکی از کانون‌های مهم اقتصادی دریایی ایران در روابط تجاری خود با سایر سرزمین‌ها بوده است. چگونگی سیر تاریخی بهره‌گیری از این دریا توسط ایرانیان نیازمند بررسی متون بازمانده از حیات اجتماعی-اقتصادی مردم این منطقه است. تبیین نقش و جایگاه تاریخی خلیج فارس در حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایرانیان نیازمند یک بررسی هم‌جانبه‌مبته بر منابع و متون بازمانده از دوره‌های مختلف تاریخ ایران است. دیرینگی حضور ایرانیان در عرصه‌ی دریانوردی خلیج فارس و تمهیداتی که دریانوردان و ناخدایان ایرانی برای امنیت و سلامت رفت‌وآمدهای دریایی خود داشتند به دوره‌ی باستان باز می‌گردد. این پژوهش بر آن است تا به مسئله سکونت‌گاه‌های موجود در عبادان و نقش آن بر دریانوردی بپردازد. سکونت‌گاه‌های ذکر شده در این پژوهش در شهر عبادان، شامل خانقاه و رباط و خشبات است که هر کدام از این سکونت‌گاه‌ها علاوه بر کارکرد سنتی خود در زمینه خدمات رسانی به مردم صوفی و یا نیازمندان، به صورت مکانی جهت استراحت مسافران هم لحاظ می‌شده است. در خصوص بررسی نقش سکونت‌گاه‌ها در شهر عبادان بر دریانوردی تاکنون پژوهش‌جداگانه‌ای نوشته نشده است. در این خصوص سعی شده تا منابع اصلی از جمله، اصطخری و ابن حوقل و ابن خردابه و ابن بطوطه و دیگر منابع مورد استفاده قرار گیرد و سپس از پژوهش‌ها نیز جهت تکمیل مبحث استفاده شود.

عبادان

عبادان از کلمه عبادت و عباد مأخذه شده است عباد به معنی مردم عبادت‌کننده است و از آنجا که در این شهر مردمانی عابد و پارسا می‌زیستند، آنجا را «عبادان» نامیدند که به معنی شهر عباد یا شهر عبادت‌کنندگان است. درباره افزودن «ان» به آخر عباد نیز این شیوه مرسوم مردم بصره بوده که به هنگام نام‌گذاری شهر یا روستایی به نام شخصی، به آخر آن «ان» می‌افزودند (یا قوت حموی، ۱۳۲۳ق: ۱۰/ ۳۱۹) نظرات دیگر در مورد عبادان: عبادان از سه حرف (ا- پات- آن) تشکیل شده است که ا به معنی آب و پات از ریشه پاییدن آمده است. بنابراین اپاتان معنای نگهبان و پاییدن می‌دهد، که به علت موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن آن در دهانه خلیج فارس است. روایت دیگری که در مورد عبادان می‌توان گفت این است که، آن را منصوب به عباد بن حسین حبطنی که در زمان حکومت حجاج بن یوسف ثقفی می‌زیسته است دانسته‌اند (میریان، بی‌تا: ۴۵۸).

آبادان از قرن ۵ قبل از میلاد مسکونی بوده است. احتمالاً بندر خارکس که هرودت از آن نام می‌برد یکی از بنادر همین جزیره بوده است (بیات، ۱۳۶۷: ۲۴۵) مورخان و تاریخ‌نویسان اسلامی به نحوی عبادان را آخرین آبادی در میان شط العرب در خلیج فارس دانسته‌اند و اکثر مورخین بر این امر متفق‌القولند که ماورای عبادان هیچ شهر یا آبادی دیگری نیست و بعد از آن دریا است. محمد قزوینی در تقسیمات اقلیم هفتگانه خود، عبادان را جزو اقلیم چهارم قرار داده است و می‌گوید جزیره‌ای است در زیر ولایت بصره نزدیک به دریا (قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۸۷).

پس با توجه به نوشته‌های جغرافی‌نویسان و تاریخ‌نگاران و مشاهدات سیاحان و جهانگردان و همچنین با در نظر گرفتن سخنان نقل‌شده از حضرت پیامبر (ص) و سخن روایت‌شده از امام علی (ع)، به احتمال قوی اظهار نظر جغرافی‌نویس معروف یاقوت حموی درباره وجه تسمیه عبادان و آنچه ایشان گفته از اعتبار علمی بیشتری برخوردار است. چنان که یاقوت حموی در ادامه بیان می‌کند: «اوسط الانهار یعنی میان رودان و آن جزیره‌ای می‌باشد در پایین بصره که عبادان در آن واقع گردیده ورود دجله گفت که خضر در کنگ نمونه بارزی از این مکان‌های مقدس است، و کاروان آن جزیره را احاطه کرده است که مصب رودخانه به دریای بزرگ می‌ریزد و به جزیره بحرین کشتی از طریق دریا به فارس ونیز به سرزمین پارس می‌رود» (حموی، ۱۳۲۳ ق: ۸/ ۲۱۹). که این نشان می‌دهد آبادان از صدر اسلام شهری آباد و پر رونق بوده است. بیشتر مردم عبادان حصیربافی می‌کردند. پیامبر گرامی در مورد آبادان فرموده است: «هرکس از شما عبادان (آبادان) را دید در آن رباطی ببندد زیرا که این شهر گلی از بیت‌المقدس است که طوفان نوح آن را به آنجا انداخته و روز قیامت به‌جایش برمی‌گردد» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۶۳/۱).

با توجه به این که عبادان دارای موقعیت جغرافیایی خاصی بوده است و این مکان در میان رود دجله و نهر خوزستان در کنار دریا در دهانه خلیج فارس قرار داشته، به عنوان سرحد شهرهای اسلام با کفارهند و فاصله میان کفر و اسلام شناخته می‌شده است (قیم، ۱۳۸۷: ۴۳۰) و این موضوع به آن موقعیت ویژه‌ای داده است و عاملی شده است که شهرت خاصی پیدا کند. رباط و خانقاه‌ها نیز در مکانی سرحد و مرزی برای نگهبانی، و در حاشیه شهرها و منطق اطراف آن ساخته می‌شدند که عبادان نیز با دارا بودن خانقاه و رباط از این امر مستثنا نبوده و مکان مناسبی برای استراحت مسافران و خدمه کشتی محسوب می‌شده است. «عبادان جزیره‌ای میان دو رود است و در آن مقامات و رباطات هست آن بدو شوره زار و بی‌حاصل شده است و آب آن شور است و در آنجا قومی به عبادت مشغول‌اند و در جزیره اوقاتی برای اشبان که حصه‌ای عایدات آن‌ها را به ایشان می‌دهند سیر معاشی آنان از نذورات است» (حموی، ۱۹۹۵ م، ۲/ ۱۰۶).

«عبادان قریه بزرگی است در زمین شوری واقع شده و فاقد عمارت و آبادی می‌باشد عبادان معبد و رباطها و مسجدهای متعددی دارد و فاصله آن تا ساحل دریا سه میل است. در ساحل دریا تکه‌ای است که آن را به خضر و الیاس علیه السلام نسبتی دهند و رو به روی آن تکیه و خانقاهی واقع است. چهار تن درویش با فرزندان خود خدمت تکیه و خانقاه را بر عهده دارند و گذران آنان از نذورات است که از مردم می‌رسد و هر کس آن جا بگذرد صدقه‌ای به درویشان می‌دهد در آن خانقاه شنیدم عابدی بزرگوار در عبادان وجود دارد که با احدی معاشرت نمی‌کند ماهی یک بار لب دریا می‌آید و با اندازه قوت یک ماهه خود صید می‌کند و می‌رود و تا ماه دیگر کسی او را نمی‌بیند و سال‌ها است به این طرز زندگی می‌کند. در عبادان کاری نداشتیم جز اینکه عابد مذکور را بیابم و زیارت کنم» (ابن بطوطه، ۱۳۶۷: ۱/ ۲۳۳). همان‌گونه که قبلاً گفته شده است گروهی معتقدند که اولین خانقاه در دو منطقه رمله و شام تأسیس شده است و گروهی دیگر معتقدند که عبادان مکانی بوده است که اولین خانقاه در آن ساخته شده است (قیم، ۱۳۹۲: ۸).

اولین مرکز صوفیان در سال صد و پنجاه هجری به وسیله یکی از یاران عبدالواحد بن زید صوحان، در شهر عبادان بنا شده است. این خانقاه که دارای شهرت بالایی بوده است صوفیان در آنجا زندگی می‌کردند و بیان می‌کنند خواندن نماز در این مکان فضیلت زیادی دارد (کیانی، ۱۳۸۹: ۱۴۵) پس احتمالاً قدیمی‌ترین خانقاه در تاریخ خانقاه‌ها در عبادان باشد شهرت این مکان‌ها در عبادان فقط به صرف سکونت صوفی‌ها در آن جا نبوده است که به کار عبادت و ادای فرایض دینی می‌پرداختند نبوده است، بلکه با توجه به موقعیت جغرافیایی آن وظیفه هدایت و راهنمایی کشتی‌ها را هم بر عهده داشته است که این بیشتر جزئی از وظایف رباطها و خانقاه‌ها محسوب می‌شده است. «عبادان در پشت آن قلعه کوچک و آبادی باشد و در کنار دریا مجمع واب دجله واقع شد که در آن رباطی می‌باشد و پاسبان‌ها از آن‌ها نگهبانی می‌نمایند تا از دست قطریه آسوده باشند (اصطخری، ۱۳۴۷: ۳۳). ابن بطوطه نیز بیان می‌کند که در عبادان رباطی وجود دارد که برای نگهبانی از دزدان دریایی و جنگجویان صفریه و قطریه وجود داشته است (ابن بطوطه، ۱۳۶۷: ۱/ ۲۳۳).

از آنجایی که رباطها برای سکونت مرابطان ضرورت داشته است و با توجه به این که این مکان‌ها در عبادان ایجاد شده بودند پس دور از ذهن نیست که بگویم عده‌ای از صوفیان در آنجا رباطی را برای اقامت و عبادت ساختند و در آنجا مقیم گشتند. این خود باعث رشد و رونق تمدنی عبادان، و عبادانی آن شده است شاید به خاطر ارتباطی که بین عبادان و تمدن بشری به وجود آمده بود عامل فرهنگ بالا در این مکان بوده است (کیانی، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

در مورد باقی‌مانده این بناها می‌توان گفت این شهر مانند بسیاری دیگر از شهرها در سده‌های میانه رو به ویرانی رفت و جز دهکده کوچکی چیزی از آن باقی نمانده است. و آثار آن نیز به علت نزدیک بودن به دریا و رسوب کردن آب در میان این بناها که جنس اصلی آن‌ها را خشت و گل تشکیل می‌داده است باعث شده است که آن‌ها را به سوی نابودی پیش ببرد و در قرون اخیر از این آثار چیزی باقی نمانده است.

در ابتدای قرن چهاردهم هجری آبادان به آبادان نام‌گذاری شد، شهری مشهور و بزرگ، که دارای ۳۰ درجه و ۲۴ درجه و ۱۵ دقیقه طولی شرقی است، که این شهرستان اکنون تا تهران ۱۰۴۶ کیلومتر فاصله دارد، از شمال به خرمشهر از مشرق به بندر ماهشهر، از جنوب و مغرب به خلیج فارس محدود است (بیات، ۱۳۶۷: ۲۴۵؛ اقتداری، ۱۳۷۵: ۱۴۷). اکنون آبادان یکی از شهرهای بزرگ و آباد به شمار می‌آید درختان خرما و محصولات کشاورزی بسیاری در آبادان وجود دارد و رودخانه‌های پرآبی که مکان مناسبی برای ماهیگیری و صیادی فراهم می‌کند (قیم، ۱۳۸۷: ۴۲۴).

خانقاه

تصوف تقریباً از نیمه دوم قرن دوم هجری پایه‌گذار شد (کیانی، ۱۳۸۹: ۱۵) اما از قرن ۴ و ۵ بیشتر مورد توجه قرار گرفت، در این قرن‌ها مردم دسته به دسته به سمت خانقاه‌ها و مجالس متصوفه و عرفان کشیده شدند. تاریخ تصوف به‌طور کلی به سه دوره تقسیم می‌شود؛ دوره اول: شکل‌گیری و تدوین از آغاز تا پایان قرن پنجم و دوره دوم: گسترش عرفان عملی و کمال عرفان نظری و ادبی تا پایان قرن نهم و دوره سوم: رکود و تطور تصوف و عرفان از قرن دهم تاکنون است. زمانی که حملات مغول شروع شد گرچه ویرانی‌هایی را در پی داشت، اما تصوف و خانقاه‌ها توانستند به حیات خود ادامه دهند، تحولات اجتماعی قرن ۶ به بعد در ایران حاصل شد باعث شد که اعتقادات مردم به مشایخ و صوفیه افزایش یابد (صفا، ۱۳۵۳: ۴۴). در مورد ریشه‌یابی کلمه صوفی نظرات مختلفی وجود دارد، اما محتمل‌ترین معنایی که می‌توان برای این کلمه پیدا کرد این است که صوفی از کلمه پشم مشتق گرفته شده است (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۳۸؛ انصاری، ۱۳۸۱: ۹ و ۱۰؛ مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۱: ۴۳۹).

خدمات خانقاه‌ها

خانقاه مکانی برای اقامت صوفیان بوده است (زرین کوب، همان، ۳۸) در برخی منابع آمده است که آداب و رسوم آن از مانویان گرفته شده است، درواقع ظاهراً تا اواخر قرن ۴ هجری قمری منزلگاه بعضی طبقات مانویان به همین نام خوانده می‌شده است)

انصاری، ۱۳۸۱: ۱۷). اما به طور کلی خانقاه مخصوص متصوفه بوده است که از قرائن چنین استنباط می‌شود که سیاهان و مسافران صوفی که به سیروسفر می‌رفتند جایی برای اقامت و استراحت خود داشته باشند از این مکان‌ها فقط برای اقامت صوفیان استفاده نمی‌شده است بلکه برای اطعام فقرا و مسافران نیز در آن باز بوده است (مصاحب، ۱۳۴۵: ۱/ ۱۸۵).

به‌هرحال خانقاه جایی بود که صوفیان در آن می‌زیستند، و به همدیگر و مسافران بیگانه بی‌ریا خدمت می‌کردند، رنج دیگران را تحمل می‌نمودند، بدون اینکه از کسی برنجد مأمور پذیرایی خلق خدا بودند، بدون اینکه به کسی دستوری بدهند، یا از فردی ایرادی بگیرند، و یا از دین و مذهب و ملتش ایراد بگیرند. ناظر به این معنی، جوانمردان نیز مرکز خود را خانقاه می‌نامید (نوربخش، ۱۳۵۰: ۲۸).

خشبات

واژه‌ی خشبات مرکب از واژه‌ی خشب، به معنای چوب درشت و سخت، الواروتیر (ابن منظور، ۱۴۱۵: ۱/ ۳۵۱؛ صفی پور، ۱۳۷۷: ۱/ ۳۱۷؛ رامپوری، ۱۳۳۷: ۱/ ۳۸۵) و «ات»، نشانه‌ی جمع در لغت عرب است که می‌توان در زبان فارسی آنرا در معنای تحت‌اللفظی به چوب‌ها ترجمه نمود. علت اطلاق خشبات به اینگونه مناره‌های بحری (دهخدا، ۱۳۳۹: ۵۶۲) به کارگیری چوب و تخته‌الوارها و داربست‌های چوبین (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۶۳: ۱۸۰) در ساختمان این بناها بوده است. برخی از پژوهشگران بر پایه‌ی گزارش ناصر خسرو- که این کلمه را خشاب ضبط نموده است (قبادیانی، بی‌تا: ۱۳۴)- آنرا مرکب از خش + آب دانسته که جزو اول ریختی دیگر از خوش [= خوب] فارسی به معنای آب خوب و مناسب برای کشتیرانی فرض شده است (امام شوشتری، ۱۳۴۷: ۲۰۹) عده‌ای دیگر واژه‌ی خشپات که در مجله‌ی بندر و دریا در معنای شب بین (فانوس‌های دریایی) به کار رفته را برگرفته از دو کلمه با ریشه فارسی باستان، خشپا (Xshapa = شب) و پات (Pat = نگهبان)، به معنای نگهبان و پاسبان شب دانسته‌اند (نوربخش، ۱۳۸۱: ۱۴۲).

خشبات نمادی از دستاوردهای تمدنی دریانوردان ایرانی و میراث هویت تاریخی کشتی رانی ایرانیان در خلیج فارس است. این سازه‌ی آبی در نزدیکی آبادان واقع شده و از دوره‌ی باستان تا قرون پنجم و ششم هجری راهنما و هدایتگر ناخدایان و کشتی‌ها بوده است. که صاحب تقویم البلدان، در اوایل قرن هشتم از خشبات در شرق آبادان یاد نموده (ابوالفداء، ۲۰۰۷: ۳۶۰).

ناصر خسرو بیان می‌کند، هنگامی که راه بصره به بندر «مهروبان» را با کشتی می‌پیموده، خشبات را از نزدیک دیده و ساختن آن‌ها را به پادشاهان پیشین نسبت داده است: «فی‌الجمله منتصب شوال سنه ثلث و اربعین و اربعمائه از بصره بیرون آمدیم و در زورق نشستیم از نهر ابله تا چهار فرسنگ می‌آمدیم. به «عبادان» رسیدیم و عبادان برکنار دریا نهاده است. چون جزیره‌ای که شط آنجا دوشاخ شده است، چنان که از هیچ جانب به عبادان نتوان شد الا به آب گذرند، و جانب جنوبی عبادان خود دریای محیط است که چون مد باشد تا دیوار عبادان آب بگیرد و چون جزر شود کم‌تر از دو فرسنگ دور شود. دیگر روز صبحگاه کشتی در دریا راندند و بر جانب شمال روانه شدیم و چون آفتاب برآمد چیزی چون گنجشک در میان دریا به دید آمد؛ چندان که نزدیک‌تر شدیم بزرگ‌تر

می‌نمود و چون به مقابل او رسیدیم چنان که بر دست چپ تا یک فرسنگ بماند باد مخالف شد و لنگر کشتی فرود گذاشتند و بادبان فروگرفتند. پرسیدم آنچه چیز است گفتند: خشاب» (قبادیانی، ۱۳۵۴: ۱۶۰)

بر پایه ی گزارشات منابع متقدم، چنین می‌نماید که در خلیج فارس الوارها (خشبات) و برجک‌های دیده‌بانی چندی به منظور هدایت و راهنمایی کشتی‌ها به کار گرفته شده که از میان آنها خشباتی که در نزدیکی آبادان واقع بوده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. ابن خردادبه موقعیت خشبات را در دوفرسخی آبادان ثبت نموده است: «از بصره تا عبادان دوازده فرسخ؛ و سپس از آبادان تا خشبات دو فرسخ» (ابن خردادبه، ۱۹۹۲: ۶۰).

خشاب نقش مربوط به راهنمای و هدایت کشتی‌های تجاری را که در مسیر هند و نواحی فارس به‌سوی بصره تردد می‌کردند را انجام می‌داد است (قیم، ۱۳۸۷: ۴۳۲) «جایگاهی هست که آن را خشاب گویند، از عبادان تا آنجا شش میل باشد، آب دجله از آن جا به دریا ریزد و آب تنگ شود و کشتی را محاصره باشند و در این جایگاهی چوبهای فرو برده‌اند و بر آن بنایی شناخته به دیدبانی ساخته‌اند (اصطخری، همان، ۳۶)

موقعیت این سازه به گونه‌ای بوده که مسعودی از این محل تحت عنوان مکان‌های جهت‌هشدار و راهنمایی دریانوردان خشبات در این محل بنا شده بود: «دریا ی فارس تا بصره و ابله و هم خبرگرداب معروف به جراره را که زبانه ی دریاست و در نزدیکی ابله کمی به طرف خشکی پیش رفته است... به علت همین جراره در نزدیکی ابله و آبادان در دهانه ی دریا چوب بستهای ساخته‌اند. افرادی بر بالای آنها می‌نشینند و شبانگاه بر روی این چوب بستهای سگانه که مانند کرسی است

آتش روشن می کنند تا کشتی ها از عمان وسیراف و غیره می آیند به جراره نیفتند که خلاصی از آن میسر نباشد(مسعودی ۱۴۰۹ق: ۱۲۱). به خاطر نزدیکی و هم مرزی آبادان وبصره و اینکه خشبات در مرز بین این دو شهر بود برخی جغرافی نویسان خشبات را جزو بصره هم قلمداد نموده اند(مقدسی، ۱۳۶۱: ۱ / ۱۲-۱۳).

امام شوشتری در این باره می نویسد: «نگهداری چراغ های دریایی معروف به خشابها پایگاهی را در خشکی نیز لازم داشته است تا نگهبانان آن چراغ ها پس از هر دوره کشیک، به آنجا بیایند و آرامش کنند و بعلاوه اگر کشتیهای دزدان دریایی را دیدند، مرزبانان را از دستبرد ایشان آگاه سازند...نگهبانان خشابها بر بالای این برج های چوبین کبوتران قاصد را به اختیار می داشته اند و اگر از پیش آمدی آگاه می شدند، خبر را نوشته و بر بال کبوتران به جاهای دور می فرستاده اند»(امام شوشتری، ۱۳۴۹: ۱۶). این نگهبانان با استفاده از قایق های ویژه بین ساحل دریا و خشبات در آمد و شد بودند(ادریسی، ۱۴۰۹: ۳۸۵؛ ابن وردی، ۱۴۲۸: ۱۲۰؛ الحمیری، ۱۹۸۲: ۲۲۴) و به دریابانی می پرداختند.

از جمله عللی که باعث شده بود که بریدها، رباطها و خشابها رونق یابند مبارزه با دزدان دریایی بحرین و نظارت بر دهانه های رودها در خلیج فارس بوده است(بحرانی پور، ۱۳۹۱: ۱۱). خشبات بیشتر در محل دهانه رودهای بزرگ مختوم به خلیج فارس که همواره رسوبات و گل و لای را با خود به دریا وارد می کردند و موجب ایجاد خور می شدند، احداث می شده اند. در خلیج فارس، جایی که دجله و فرات و کارون به هم می رسیدند تدریجا خور نسبتا بزرگی ایجاد شده است. بر اثر همین پدیده ای که ذکر شد، آب دریا در این منطقه کم عمق می شود و مشکلاتی را برای دریانوردان به وجود می آورد. ایرانیان در آن زمان با استفاده از این فناوری مشکلات دریانوردی و کشتیرانی را در این قسمت از جغرافیای خلیج فارس حل کردند(کریمی، ۱۳۹۴: ۱۰). «چراغ های شب را روشنایی می دهند در کنار دریا راه شط العرب را برای کشتی های رهگذر این راه نمایان باشد و راه گم نکند و پاسگاه برای دزدان دریایی همیشه مواظبت می نمایند کشتی ها را» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۶۸).

شاید علت اصلی این که دیگر در منابع قرن ۷ به بعد ذکری از خشاب نشده است بتوان گفت عقب نشینی آب خلیج فارس و تغییر مسیر حرکت کشتی ها در این ناحیه بوده است که دیگر خشاب کاربردی نداشته است(قیم، ۱۳۸۷: ۴۳۲). درواقع خشاب همان چراغ دریایی هست که اینک در کشتیرانی به کار می رود امروز در خلیج فارس و سواحل عمان و دریای سرخ این راهنماهای

دریایی را که شب‌هنگام می‌درخشند و باسیم و برق نگهداری و روشن می‌شوند، «بایه» می‌نامند ولی این چراغ‌های دریایی در دریا شناور هست (اقتداری، ۱۳۷۵: ۱۸۰).

در مجموع دلیل ساخت این مکان این‌گونه بوده است:

۱- با بالا آمدن آب در زمین‌های کم‌عمق این خطر وجود داشته که کشتی‌ها ندانسته به‌سوی آب‌های کم‌عمق رفته، به شن نشسته و نابود شوند.

۲- با دیدن نور در تاریکی، کشتی‌ها، در تاریکی شبانگاه و هوای ابری راه و جهت خود را بیابند.

۳- در صورت یورش دزدان و غارتگران دریایی، به پادگان‌های زمینی خبر داده تا به‌سرعت جهت مقابله با آن‌ها اقدام کنند.

دریابان‌های مستقر در این ساختمان‌ها، پدیده‌های هواشناختی و دریا شناختی را ثبت می‌کرده‌اند. دریانوردان تازه‌کار ایرانی از این اطلاعات برای رویارویی با رخدادهای هوا و دریا، به ویژه رخدادهای چرخه‌ای و دوره‌ای استفاده می‌کردند (جودکی، ۱۳۹۱: ۴۲).

که این خود نقش مؤثری در رشد تجارت داشته است به دلیل امنیتی که می‌توانستند از این طریق تجار و دریانوردان خلیج فارس به دست آورند. خشبات برج هدایت و فانوسی دریایی بود که در دو فرسخی شرق آبادان قرار داشت. این نقطه در محل ورود آب دجله به دریا قرار گرفته بود و عمق آب در این ناحیه کم و گل و لای ناشی از رسوبات کارون کشتی‌ها را در این منطقه با خطر به گ ل نشستن مواجه می‌کرد. سوای این ویژگی این نقطه محل ورود کشتی‌های تجاری از عمان، سیراف بصره و... بود که این دیده بان‌های دریایی شبانگاه راه دجله را به ناخدایان کشتی‌ها بازمی‌نمودند. پاره ایی از ویژگی‌های دریای فارس نظیر جزرومدهای شدید در طول یک شبانه روز و پیشینه ی دزدی دریایی در خلیج فارس و ضرورت آگاهی از حضور آنان نیز بر کارکرد این دیده بانی در خلیج فارس می‌افزود. برپایه ی گزارش منابع خشبات تا اواخر قرن پنجم هجری فعال بوده ولی از آن پس بواسطه ی پس روی آب خلیج فارس از یکسو و نیز برتری دریای سرخ بر کانون تجاری خلیج فارس به تدریج

دریانوری در این دریا تحت الشعاع قرار گرفته و به تبع آن، این سازه ی آبی چوبین کارایی گذشته را نداشته است (جودکی، همان: ۵۲)

رباط

رباط بنایی با کارکرد نظامی در مرزهای اسلامی که در گذر زمان معنی کاروانسرا و خانقاه یافته است. رباط از ریشه ر ب ط و جمع آن رِبْط و یکی از معانی آن اقامه جهاد و مبارزه با دشمنان اسلام و حفظ مرزها است. ساختار رباط ها ساده و پرهیزکارانه و در آن ها کارکردهای نظامی و مذهبی به هم آمیخته بود. مجاهدان ساکن در رباط با وعظ و ارشاد مردم را به جهاد با کافران بر می انگیزتند (کریمیان سردشتی، ۱۳۹۳: ۱۹/ ۴۲۷). معنای رباط در فرهنگ و زبان فارسی به صورت پاسگاه مرزی، کاروانسرای خانقاه، غریب خانه، مهمان سرا آمده است. یکی از کانون های که در آن اعمال خانقاهی اجرا می شده است، درواقع رباط منشأ و مبدأ پیدایش خانقاه و امور مربوط به آن هست بیش از آنکه خانقاه رسمی به وجود آید، رباط های مرزی، محل و مرکزی بود که بعضی صوفیان در آنجا به سر می بردند و به قسمتی از اعمال خانقاهی می پرداختند پس از آن به برخی از این مناطق کلمه رباط اطلاق می شده است (کیانی، ۱۳۸۹: ۶۶).

واژه رباط کلمه ای عربی بوده که با مسئله مجاهدت و معنویت مناسبتی دارد، در منطقه فارس بیشتر واژه رباط به جای کلمه خانقاه به کار برده شده است، شاید علت این امر از نظر جغرافیای به شهر بغداد برمی گردد بغداد مرکز خلافت اسلامی نزدیک بود، و تا حدی تحت تأثیر مسائل فرهنگی آنجا قرار داشته است. یکی از دلایل شکل گیری رباط ها، مراکز و پادگان های نظامی بوده که برای دفاع از قلمرو و سرزمین اسلامی شکل گرفته اند (اصطخری، همان : ۵۵) رباط در تاریخ عمومی اسلام قرارگاهی بود که نزدیک مرزهای برای دفاع از سرزمین در مقابل کفر، که در زمان مقتضی به پیشروی پردازند. در قرآن کریم چندبار به این کلمه اشاره شده است که در سه مورد معنای اطمینان و آرامش و در دو مورد دیگر به معنای آمادگی آمده است:

(آیات: ۱۴ سوره کهف، ۱۰ سوره قصص، ۱۱ سوره انفال): ماده ربط به معنی قوی و محکم نگه داشتن و اطمینان خاطر به کار رفته است و در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران واژه رابطو از مصدر رابطه به معنای مرزبان است، (در سوره انفال: آیه ۶۰) رباط الخیل، را به معنی تجهیز اسبان جنگی و توسعه پایداری و جهاد آورده است (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۲۲: ۱/ ۴۲۸).

اهل رباط را که در واقعه سرحدنشین بودند مرابطون می‌خواند، آنان داوطلبان مؤمنی بودند که خود را وقف دفاع از اسلام می‌کردند. بعداً که دولت اسلام قوت گرفت و کمتر ضرورت حمله و دفاع از سرزمین اسلامی وجود داشت، کسانی که در این مکان‌ها ساکن بودند به‌عنوان عبادت‌کننده نزد مسلمانان شناخته شدند، رفته‌رفته این کلمه مترادف زاویه و خانقاه گردید مخصوصاً در ممالک شرقی رباط مانند خانقاه مرکز تجمع صوفیان و دوری از دنیا پرداخته‌اند و زندگی درویشی را انتخاب کردند (مصاحب، ذیل واژه رباط). اصطلاح رباط و زاویه با خانقاه مترادف بوده است اصطلاح دیگری که برای خانقاه مترادف، دویره است، این واژه در فرهنگ لغت نکته جالبی که وجود دارد این کلمه همراه با لنگر در فرهنگ لغت ترجمه‌شده است دهخدا در ذیل "لنگر" می‌نویسد، واژه لنگر که در فارسی در معانی وسیله توقف و نگهداری کشتی، تربت بزرگان، و غیره به‌کاررفته است گاه به‌جای خانقاه به کار می‌رفته است (دهخدا، ذیل واژه رباط). بیشتر رباطی‌های که ساخته می‌شدند در مرزها بوده است همان‌طور که قبلاً گفتیم عبادان نیز در آن زمان جز مرزها بوده است (قیم، ۱۳۸۷: ۴۳۱). عبادان او را ثغور شمارند که سرحد شهرهای اسلام به دریا است با کفار هند و فاصله میان کفر و اسلام است (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۳۷). عبدالواحد بن زید که برجسته‌ترین شاگرد حسن بصری بود، نخستین جماعت پارسیان را که البته در آن زمان صوفی خوانده نمی‌شدند، در عبادان به وجود آمدند. بی‌تردید عبادان از سده ۲ ق، محل تجمع زهادی بود که از نقاط گوناگون به آنجا می‌آمدند اگرچه در منابع مختلف از این جماعت زاهدان یاد می‌شود، اما در هر یک از این منابع با توجه به اصطلاح خاصی که در زمان نگارش آن اثر رواج داشته است، از محل اقامت آنان سخن به میان می‌آید و از آن با اصطلاحاتی چون رباط، دویره و خانقاه یاد می‌شود. گفته می‌شود کسانی چون ریاح بن عمرو قَیسی (د میان سال‌های ۱۸۵-۱۹۵ ق)، ابو سلیمان دارانی (د ح ۲۱۵ ق) و سهل بن عبدالله تستری (د ۲۸۳ یا ۲۸۶ ق) برای مدتی در رباط عبادان به سر می‌بردند، یا از آن دیدن کردند از بشر حافی (د ۲۲۶ ق)، سری س قَطی (د ۲۵۱ ق)، ابن خفیف و برخی دیگر نیز نام‌برده‌اند (عدلی، ۱۳۹۳: ۷۳۳) «عبادان حصارکی است کوچک و عبادان بذر کنار دریا و آب دجله آنجا گرد آید و آن رباطی است» (اصطخری، ۱۳۴۷: ۳۶). از آنجا که در یکی از معانی رباط به کاروانسرا تعبیر شده است میتوان نتیجه گرفت وجود رباط‌ها در عبادان به عنوان یک سکونت گاه نقش مهمی در مسئله دریانوردی داشته است.

نتیجه گیری:

منطقه خلیج فارس از دوران باستان تاکنون مورد توجه دریانوردان ایرانی و غیر ایرانی بوده و از لحاظ موقعیت اقتصادی و سیاسی و تجاری حائز اهمیت است. در بیشتر پژوهش‌ها بر روی مسئله سیاسی، موقعیت استراتژیک آن و جنبه‌های اقتصادی و تجاری

آن صحبت شده است. اما باید توجه داشته باشیم این منطقه از جنبه‌های گوناگون دیگری نیز میتواند بررسی شود. شهر عبادان(آبادان) به دلیل جایگاه تجاری و اقتصادی خود که بر دریانوردی بسیار تاثیر گذار بوده، در طول تاریخ سکونت‌گاه هایی را در دل خود جای داده است. این سکونت گاه ها هم برای رفاه حال مردم آن منطقه و هم برای استراحت مسافران، دریانوردان و کشتی رانان و هم برای محافظت و مراقبت از کشتی ها و تجهیزات وابسته به آن ها بوده است. از این میان رباطها و خانقاه ها نه فقط کارکرد سنتی خود را داشتند که برای موارد فوق نیز در طول دوران‌های تاریخی به خصوص قرون میانه مورد استفاده قرار میگرفتند. اگرچه خانقاه‌ها و رباطها در کارکرد سنتی خود برای صوفی نشینان و پناهگاهی برای ایشان بوده است، اما برای حفاظت از خطرات و یا در مرزها برای حفظ ثغور نیز بنا میشدند. در پژوهش حاضر این مطلب را مشخص کردیم که این سکونت گاه‌ها علاوه بر حفظ ویژگی اصلی خود، کاربردهای دیگری هم برای آنان منظور شده بود. از دیگر سکونت گاه‌ها به خشبات اشاره داشتیم که این مکان هم برای راهنمایی کشتی ها به عنوان یک فانوس دریایی مورد توجه بوده است و کسانی که در آنجا ساکن بودند با دیدبانی در آنجا، مردم خشکی را از وجود خطرات دریایی مانند بالا آمدن آب و یا دزدان دریایی با خبر می‌کردند.

کتابنامه:

- ابن بطوطه(۱۳۶۷). سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه دکتر محمد علی موحد، ج ۱، چاپ ششم، تهران: نشر نی.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد(۱۳۴۷)، مسالک الممالک، ترجمه فارسی به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اقتداری، احمد(۱۳۷۵)، آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، تهران، انجمن آثار مفاخر فرهنگی.
- انصاری، قاسم(۱۳۸۱)، مبانی عرفان و تصوف، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد(۱۴۰۵)، لسان العرب، قم، الادب الحوزه.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی(۲۰۰۷)، تقویم البلدان، القاهرة:مکتبه الثقافیه الدینیه .

امام شوشتری، سید محمدعلی(۱۳۴۷)، فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی، تهران: انجمن آثار

ابن وردی، عمر بن مظفر (۱۴۲۸) خریده العجائب و فريده الغرائب، تصحيح: زناتی انور، بی جا: مکتبه الثقافه الدينيه.

ادریسی، محمد بن محمد(۱۴۰۹)، نزهه المشتاق فی إختراق الآفاق، بیروت: عالم

الحمیری، محمد بن عبدالمنعم(۱۹۸۴)، الروض المعطار فی خبر الأقطار، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.

ابن حوقل، محمد بن حوقل(۱۳۶۶)، صوره الارض، ترجمه و توضیح جعفر شعار، انتشارات تهران: امیر کبیر.

بیات، عزیزالله، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، تهران، امیر کبیر ۱۳۶۷.

بحرانی پور، علی، نقش اقتصادی و مواصلاتی دهانه اروند رود در روابط حکومت های محلی منطقه با خلافت عباسی، ۱۳۹۱

جودکی، محمد علی(۱۳۹۱)، کارکرد خشبات در دریا نوردی خلیج فارس، نشریه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، شماره ۲۷.

حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، ج ۱۰، مصر ۱۳۲۳ : دارالصادر/ جلد ۲، ۱۹۹۵م، بیروت: دارالصادر

دانشنامه جهان اسلام، موسسه دایرةالمعارف الفقه الاسلامی، زیر نظر احمد طاهری عراقی، مصطفی میر سلیم، انتشارات بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تهران ۱۳۲۲، جلد اول

دهخدا، ۱۳۳۹، فرهنگ دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.

ذبیح الله، صفا، مقدمه‌ای بر تصوف، انتشارات سیمرغ، تهران ۱۳۵۳

رامپوری، غیاث‌الدین محمد(۱۳۷۷)، غیاث‌اللغات، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: معرفت

زرین کوب، عبدالحسین، تصوف ایران درمنظر تاریخی، تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۳.

سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی(۱۳۶۳)، بندرعباس و خلیج فارس، به تصحیح و تحشیه احمد اقتداری، تهران: دنیای کتاب.

صفی پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم(۱۳۷۷)، منتهی الارب فی اللغة العرب، تهران: ابن سینا.

عبدالنبی، قیم،(۱۳۹۲)، فراز و فرود شیخ خزعل، تهران: انتشارات اختران.

عدلی، محمد رضا(۱۳۹۳)، خانقاه، انتشارات مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۲۱، اردیبهشت ۹۳،

قزوینی، محمدبن محمود (۱۳۷۳) آثار البلاد و اخبار العباد، به تصحیح میر هاشم محدث، انتشارات امیر کبیر: تهران.

قیم، بهادر (۱۳۸۷)، خلیج فارس فرهنگ و تمدن، «موقعیت جغرافیای آبادان تا مآچول» انتشارات موسسه مطالعات فرهنگ و تمدن.

قبادیانی، ناصر خسرو: سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴

کریمی، مصطفی، (۱۳۹۴) درآمدی بر مفهوم خشاب در سواحل دریایی پارس، بی جا.

کریمیان سردشتی، نادر (۱۳۹۳)، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، جلد ۱۹، ذیل واژه رباط. تهران

کیانی، محسن (۱۳۸۹) تاریخ خانقاه در ایران، تهران: انتشارات طهوری

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۴۰۹)، مروج الذهب ومعادن الجوهر، تحقیق اسعد داغر، قم: دارالهجره.

مقدسی، شمس الدین ابوعبدالله محمد (بی تا) أحسن التقاسیم فی معرفه القالیم، بیروت: دار صادر.

مستوفی، حمد الله بن ابی بکر، نزهته القلوب، انتشارات تهران، ۱۳۶۲

میریان، عباس، جغرافیای تاریخی خلیج فارس، خرم شهر، کتاب فروشی میریان، بی تا.

مقدسی، ابوعبدالله مسعود بن احمد، احسن التقاسم فی معرفه القلیم، ترجمه علینقی منزوی، جلد ۱، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.

مدرس چهاردهمی، نورالدین، سیری در تصوف، انتشارات خوشه، سال ۱۳۶۱.

مصاحب، غلامحسین، دایرةالمعارف، انتشارات فرانکلین، تهران ۱۳۴۵.

مدرس چهاردهمی، نورالدین، سیری در تصوف، انتشارات خوشه، چ دوم سال ۱۳۶۱،

مقدسی، ابوعبدالله مسعود بن احمد، احسن التقاسم فی معرفه القلیم، بی جا، ج اول

نوربخش، جواد، آداب خانقاه، انتشارات تهران، ۱۳۵۰.

نوربخش، حسین، (۱۳۸۱) فرهنگ دریایی خلیج فارس، تهران: امیرکبیر.

